



The Criminological Nature of Goods and Currency Smuggling Offenses and the Foundations of Their Criminalization

Seyyed Masoud Hosseini¹, Seyyed Mehdi Mansouri ✉², Mohammad Hossein Jafari³

[Received: 2026/01/28 Accepted: 2026/05/06]

 [10.22034/qacr.2026.2083960.1174](https://doi.org/10.22034/qacr.2026.2083960.1174)

Abstract

Goods and currency smuggling, as one of the most significant manifestations of economic crime, affects not only financial interests but also economic security, public order, and social trust. Within this context, explaining the criminological nature of goods and currency smuggling offenses and revisiting the foundations of their criminalization constitute both a theoretical and a practical necessity. This article aims to analyze the criminological nature of goods and currency smuggling offenses and to elucidate the principal grounds for their criminalization, including the protection of the right to security, the safeguarding of fundamental values, and the normative role of criminalization in defining acceptable and prohibited patterns of conduct. The research employs a descriptive-analytical method based on library research. The findings indicate that goods and currency smuggling possesses a distinctive criminological character. Despite its low visibility, it is associated with a high degree of blameworthiness and a substantial dark figure of crime. Furthermore, due to its dynamic nature and broad scope of risk, it constitutes a structural threat to economic security and economic order. A proper understanding of the criminological nature of goods and currency smuggling is therefore a prerequisite for developing coherent and legitimate grounds for criminalization and for formulating an effective criminal policy in this field. Such a policy can contribute to the preservation of fundamental values and public security while ensuring the effective prevention and sustainable control of this criminal phenomenon.

Keyword: Goods and Currency Smuggling, Criminological Nature, Low Visibility, Dark Figure of Crime, Criminalization, Economic Security, Fundamental Values.

Citation: Hosseini, S.M. , Mansouri, S.M. & Jafari, M.H. (2026). The Criminological Nature of Goods and Currency Smuggling Offenses and the Foundations of Their Criminalization. *Applied criminology research*, 4(11), 131-150.
https://www.qacr.ir/article_738226.html?lang=e

1. Department of Criminal Law and Criminology, May.C., Islamic Azad University, Maybod, Iran. Email: seyedmasoud.hosseini@iau.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding Author). Email: seyedmehdi.mansouri404@iau.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: mohammadhossein.jafari@iau.ac.ir

ماهیت جرم‌شناسی جرایم قاچاق کالا و ارز و مبانی جرم‌انگاری آن

سید مسعود حسینی^۱، سید مهدی منصوری^۲✉، محمدحسین جعفری^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۶]

doi 10.22034/aqcr.2026.2083960.1174

چکیده

قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های بزهکاری اقتصادی، فراتر از زیان‌های مالی صرف، امنیت اقتصادی، نظم عمومی و اعتماد اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این چارچوب، تبیین ماهیت جرم‌شناسی جرایم قاچاق کالا و ارز و بازخوانی مبانی جرم‌انگاری آن‌ها، به‌عنوان ضرورتی نظری و کاربردی مطرح می‌گردد. هدف این مقاله، تحلیل ماهیت جرم‌شناختی جرایم قاچاق کالا و ارز و تبیین مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری این دسته از جرایم، شامل تضمین حق بر امنیت، حمایت از ارزش‌های بنیادی و نقش هنجارساز جرم‌انگاری در شناساندن بایدها و نبایدهای رفتاری است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قاچاق کالا و ارز واجد ماهیتی جرم‌شناختی خاص است؛ به‌گونه‌ای که علی‌رغم رؤیت‌پذیری اندک، از سرزنش‌پذیری بالایی برخوردار بوده، دارای رقم سیاه گسترده است و به دلیل پویایی و گستردگی دامنه خطر، تهدیدی ساختاری علیه امنیت و نظم اقتصادی محسوب می‌شود. درک صحیح از ماهیت جرم‌شناختی قاچاق کالا و ارز، شرط لازم برای طراحی مبانی منسجم و مشروع جرم‌انگاری و اتخاذ سیاست جنایی کارآمد در این حوزه است؛ سیاستی که بتواند ضمن حفظ ارزش‌های بنیادین و امنیت عمومی، به پیشگیری مؤثر و کنترل پایدار این پدیده بزهکارانه منجر شود.

کلیدواژه‌ها: قاچاق کالا و ارز، ماهیت جرم‌شناسی، رؤیت‌پذیری اندک، رقم سیاه بزهکاری، جرم‌انگاری، امنیت اقتصادی، ارزش‌های بنیادی.

استناددهی: حسینی، سید مسعود، منصوری، سید مهدی، و جعفری، محمدحسین. (۱۴۰۴). ماهیت جرم‌شناسی جرایم قاچاق کالا و ارز و مبانی جرم‌انگاری آن. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۴(۱۱)، ۱۳۱-۱۵۰.
https://www.qacr.ir/article_738226.html

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

رایانامه: hoseinseyedmasoud@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: seyedmehdi.mansouri404@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

رایانامه: mohammadhossein.jafari@iau.ac.ir

مقدمه

قاچاق کالا و ارز به عنوان یک پدیده اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، عوامل مختلفی در ایجاد آن می تواند، دخیل باشد. این جرم به عنوان یکی از جرایم اقتصادی موضوع مطالعات «جرم شناسی اقتصادی»^۱ است؛ بنابراین استفاده از یافته های جرم شناسی اقتصادی می تواند در مهار یا کاهش آمار وقوع این جرایم از طریق پیش بینی راهکارهای مناسب نقش بسزایی داشته باشد.

قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از چالش های پایدار نظام های اقتصادی معاصر، همواره در کانون توجه سیاست گذاران کیفری و نهادهای اجرایی قرار داشته است. با این حال، تلقی غالب از این پدیده، اغلب به سطح نقض مقررات گمرکی یا تخلفات اقتصادی تقلیل یافته و کمتر به ماهیت پیچیده و چندلایه آن از منظر جرم شناسی پرداخته شده است. این در حالی است که درک دقیق ویژگی های جرم شناختی قاچاق کالا و ارز، نقش تعیین کننده ای در توجیه جرم انگاری، انتخاب ابزارهای واکنشی و ارزیابی کارآمدی سیاست جنایی در قبال آن دارد.

در سطح سیاست تقنینی، جرم انگاری قاچاق کالا و ارز عموماً با استناد به ضرورت مقابله با اختلال در نظام اقتصادی یا حمایت از منافع مالی دولت توجیه می شود؛ اما این توجیه ها به تنهایی قادر به تبیین چرایی مداخله شدید کیفری و تشدید روزافزون واکنش ها نیستند. به ویژه این پرسش اساسی همچنان مطرح است که کدام ارزش ها و منافع بنیادین، جرم انگاری این دسته از رفتارها را از منظر حقوق کیفری و جرم شناسی مشروع می سازد و چه نسبتی میان ویژگی های خاص این جرایم و مبانی جرم انگاری آن ها وجود دارد.

از سوی دیگر، ادبیات موجود کمتر به این نکته پرداخته است که ویژگی هایی چون پنهان کاری، دشواری کشف، گستره آثار اجتماعی و اقتصادی و نقش آگاهی و اطلاعات تخصصی مرتکبان، چگونه در شکل دهی به ماهیت جرم شناختی قاچاق کالا و ارز مؤثر بوده و چه تأثیری بر توجیه مبانی جرم انگاری آن برجای می گذارند. این خلأ تحلیلی، موجب نوعی گسست میان «شناخت جرم» و «واکنش کیفری» شده و امکان ارزیابی منسجم سیاست جنایی در این حوزه را با دشواری مواجه ساخته است.

بر این اساس، مسئله اصلی مقاله حاضر آن است که ماهیت جرم شناختی جرایم قاچاق کالا و ارز چیست و این ماهیت، چگونه مبانی جرم انگاری آن ها را در نظام حقوق کیفری توجیه می کند؟ مقاله می کوشد با تمرکز بر ویژگی های جرم شناختی این جرایم و تحلیل مبانی ای همچون تضمین حق بر امنیت، حمایت از ارزش های بنیادی و شناساندن بایدها و نبایدها، به ابهامات نظری موجود پاسخ داده و چارچوبی منسجم برای فهم جرم انگاری قاچاق کالا و ارز ارائه دهد.





۱. ماهیت جرم‌شناسی جرایم قاچاق کالا و ارز

مرتکبین قاچاق کالا و ارز نیز ویژگی‌هایی دارند که آگاهی از آن می‌تواند در پیشگیری از وقوع آنان مؤثر واقع شود. در واقع مرتکبین قاچاق کالا و ارز، سود هنگفتی از فعالیت مجرمانه خود به‌دست می‌آورند، به شکل کامل از جهانی‌شدن اقتصاد استفاده می‌کنند، گستره فعالیت خود را در تمام سطح جهان توسعه می‌دهند و در بسیاری از موارد نیز به شکل سازمان‌یافته عمل می‌کنند و در این چارچوب در سایه اطلاعاتی که دارند از تمام خلأهای نظام حقوقی و بازار بهره می‌برند. گاهی اوقات شرکت، وسیله یا پوششی برای ارتکاب قاچاق کالا و ارز یا پنهان کردن آثار جرم است. در این گونه موارد، برخی از شرکت‌ها از گمنامی سهامداران اصلی استفاده می‌کنند و برخی دیگر صرفاً از لحاظ حقوقی عنوان شرکت را دارند، لیکن واقعیت اقتصادی ندارند. بدین ترتیب با شرکت‌های واهی و غیرواقعی مواجه می‌شویم که در واقع برای ارتکاب جرم تشکیل شده‌اند.

بر اساس تجارب چندین ساله در رسیدگی به تخلفات و جرایم اقتصادی در سازمان تعزیرات حکومتی و خاصه در حوزه عدم ایفای تعهدات ارزی (موضوع مواد ۱۰ و ۱۱ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) که بر اساس تبصره ۷ ماده ۲ مکرر از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (الحاقی ۱۴۰۰) امر رسیدگی به آن و نیز اعمال مجازات به‌صورت احاله‌ای به قانون اخیرالذکر ارجاع داده است، به‌کرات شاهد مصادیق متعدد از ایجاد شرکت‌های صوری داخلی و خارجی با هدف سوءاستفاده و بهره‌مندی از ارزش‌های ترجیحی بوده‌ام که متعاقب دریافت ارز و خروج آن از کشور با ارائه دلایل و دفاعیات واهی از جمله عدم ایفای تعهد از سوی شرکت خارجی به جهت وجود تحریم‌ها و یا اعلام و ارائه مستندات ورشکستگی برای شرکت‌های صوری داخلی و یا خارجی سعی در فرار از مجازات قانونی داشته‌اند و اقتضا می‌کند، نهاد قانون‌گذاری با هدف پیشگیری از سوءاستفاده‌های مذکور و حفظ و یا بهره‌وری صحیح و قانونمند از منابع ارزی کشور که به جهت وجود تحریم‌های ظالمانه با کمبود و مضیقه آن کشور دچار است، اقدام کند.

وضعیت برخی از بزه‌کاران قاچاق کالا و ارز، از جمله کسانی که دارای منصب دولتی بوده و دارای قدرت نیستند، متفاوت با بزه‌کاران عادی است. خطر این دسته به لحاظ پست‌های مهمی که در اقتصاد، مدیریت و سیاست دارند، بسیار بیشتر است. برخی از بزه‌کاران اقتصادی دارای قدرت نیستند و به لحاظ اطلاعاتی که دارند، برای جامعه خطرناک نیستند. آنان از ابزار و وسایل برآمده از سایر علوم، نه فقط برای نقض قوانین، بلکه برای از بین بردن آثار اقدامات مجرمانه خود استفاده می‌کنند.

۱-۱. سرزنش‌پذیری رؤیت‌پذیری اندک

قاجاق به‌راستی جرمی است که هم ساحت هیئت حاکمه و هم ملت را جریحه‌دار می‌کند، با این حال کیفرهای آن نباید ترذیلی باشد. چون افکار عمومی هیچ خواری و خفت به این نوع جرم منتسب نمی‌داند. ولی به‌راستی چرا این جرم برای مرتکب آن رسوایی در پی ندارد، در حالی که قاجاق، سرقت از هیئت حاکمه و در نتیجه سرقت از خود ملت است؟ پاسخ این است که آدیان برای مواردی که تصور می‌کنند ممکن نیست لطمه‌ای به آنان وارد سازد آن‌قدر اهمیت قائل نیستند تا این جرایم و تخلفات موجب برانگیختن نفرت عموم نسبت به مرتکب آن شود. قاجاق از این‌گونه موارد است (حطمی، ۱۴۰۰، ص ۳۳-۳۴).

بنابراین قاجاق کالا و ارز معمولاً دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آن‌ها را از سایر انواع جرایم متمایز می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها، سرزنش‌پذیری و رؤیت‌پذیری اندک است. سطح رؤیت‌پذیری و بالتبع گزارش‌دهی این دسته جرایم پایین بوده و قاعدتاً افکار عمومی حساسیت چندانی در برابر آن‌ها ندارد. همین رؤیت‌پذیری اندک نسبت به جرایم متعارف باعث شده است بسیاری از قربانیان از بزه‌دیدگی خودشان مطلع نشوند (مهدوی پور، ۱۳۹۵، ص ۵۳۸). ویژگی «رؤیت‌پذیری اندک» در قاجاق کالا و ارز به معنای پنهان‌کاری و کاهش امکان شناسایی و رهگیری فعالیت‌های مرتبط با این نوع جرم است.

به همین دلیل، از آنجایی که افتراقی شدن سیاست جنایی عمدتاً در چارچوب سه معیار (۱) گونه‌شناسی جرایم (۲) گونه‌شناسی بزه‌کاران و (۳) گونه‌شناسی بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد (نجنفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۶)، بهتر است قانون‌گذار در راستای مبارزه با جرایم اقتصادی از یک سیاست جنایی افتراقی تبعیت نماید.

دشواری کشف جرم و سپس تعقیب و محاکمه مرتکبان و احتمال نفوذ آن‌ها در جریان دادرسی و نیز به جهت احقاق حقوق عمومی غالباً پذیرفته شده است تا این دسته از جرایم مشمول مرور زمان قرار نگیرد. در واقع عدم شمول مرور زمان از این باب است که هیچ‌گاه مرتکبان آگاه یا دارای وکلای خبره نتوانند از خلأهای قانونی استفاده کنند و زمان را بخرند و عدالت را بفروشند (حطمی، ۱۴۰۰، ص ۳۵). در همین راستا قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۱۰۹، قاجاق کالا و ارز را از دایره شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات خارج نموده است که نشان از تبعیت از رویکرد افتراقی در مبارزه با این دسته از جرایم است (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲، ص ۳۰).

فناوری‌های نوین مانند ارزهای دیجیتال و تکنولوژی‌های بلاک‌چین ابزارهای جدیدی را برای پنهان‌سازی و انتقال غیرقانونی پول فراهم کرده‌اند. این فناوری‌ها با ایجاد امکان انتقال سریع و ناشناس پول، رؤیت‌پذیری جرایم اقتصادی را کاهش می‌دهند. به‌طور کلی، رؤیت‌پذیری





اندک قاچاق کالا و ارز ناشی از پیچیدگی و تخصصی بودن این جرایم، استفاده از پوشش‌های قانونی، مشارکت افراد متخصص، استفاده از مکانیزم‌های پیچیده پول‌شویی، کمبود گزارش‌دهی و نظارت و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید است. این ویژگی‌ها باعث می‌شوند که شناسایی و مقابله با قاچاق کالا و ارز به چالش بزرگی برای نهادهای قانونی و نظارتی تبدیل شود.

قاچاق کالا و ارز از مجاری قانونی و رسمی انجام نمی‌شود. به عبارت دیگر، برخلاف تجارت قانونی که در بسترهای شفاف و تحت نظارت دولت و نهادهای قانونی صورت می‌گیرد، فعالیت‌های قاچاق با هدف دور زدن قوانین و اجتناب از پرداخت عوارض و مالیات‌ها انجام می‌شود. این امر باعث می‌شود که رؤیت‌پذیری این فعالیت‌ها به حداقل برسد. همچنین قاچاقچیان معمولاً از روش‌های پیشرفته تکنولوژیک، مانند استفاده از سیستم‌های رمزگذاری، تراکشن‌های دیجیتالی غیرقابل ردیابی (مثل ارزهای دیجیتال) و همچنین دست‌کاری در مدارک و برچسب‌ها استفاده می‌کنند. این روش‌ها رؤیت‌پذیری فعالیت‌ها را کمتر می‌کند.

در مجموع، رؤیت‌پذیری اندک به‌عنوان ماهیت قاچاق کالا و ارز باعث می‌شود که این فعالیت‌ها به‌صورت پنهانی و در سایه انجام شوند تا از برخورد قانونی جلوگیری شود و سیستم‌های نظارتی توانایی شناسایی و مقابله مؤثر با این فعالیت‌ها را نداشته باشند.

۱-۲. رقم سیاه بالا

جرم‌شناسان جرم‌های گزارش نشده یا ثبت‌نشده را «بزهکاری پنهان»^۱ و گاه «جرم‌های رؤیت‌نشده»^۲ می‌نامند و از شکاف میان بزهکاری واقعی و آمار رسمی به «رقم سیاه»^۳ جرم‌های ثبت نشده یاد می‌کنند. بر این اساس این شکاف نمایان‌گر تصویری از کوه یخی است که فقط نوک آن نمایان است و بخش بزرگ آن پوشیده و پنهان می‌ماند. این نظریه استدلال می‌کند که آمارهای رسمی ناقص‌اند؛ یعنی فقط برخی از جرم‌ها را ثبت می‌کنند و از این رو برداشت ناکامل و تحریف‌شده یا گمراه‌کننده‌ای از مسأله جرم را به تصویر می‌کشند. برای نمونه تمرکز بر سطح به نسبت پایین جرم‌های بر اموال و نادیده گرفته شدن جرم‌های یقه‌سپیدان و اشخاص حقوقی فساد و تقلب در این آمارها مورد چالش جدی است (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱، ص ۲۰۵).

وجود رقم سیاه بزهکاری و میزان آن از نظر جرم‌شناختی بسیار مهم است. چون مبین نیمه‌تاریک آمار جنایی است و هر گونه برنامه‌ریزی اجرایی و حتی تحلیل نظری بدون توجه به آن، غیرعلمی و گمراه‌کننده خواهد بود. در ایران آمار بزهکاری پلیسی توسط نیروی انتظامی

1. Hidden crime
2. Invisible crime
3. Dark figure

جمع‌آوری گردیده و در «سالنامه آماری» که توسط مرکز آمار ایران به صورت سالانه منتشر می‌گردد، اعلام می‌شود، اما آمار منتشرشده همه جرایم و حتی بسیاری از جرایم مهم را پوشش نمی‌دهد.

بزهکاری واقعی در ادبیات علوم جنایی یعنی تعداد جرایمی که عملاً ارتکاب یافته و میزان و ماهیت آن ناشناخته است. برای پی بردن به بزهکاری واقعی، دو روش یعنی تحقیقات خودگزارشی بزهکاری و تحقیقات خودگزارشی بزه‌دیدگی وجود دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

آمار واقعی قاچاق کالا و ارز قابل تحصیل نیست، لذا رقم سیاه آن‌ها یعنی درصد جرایمی که به دلایل جرم‌شناسی یا نقض ابزارهای سنجش، قابل اندازه‌گیری نیستند، بالاست. البته درصدی از آمار قاچاق کالا و ارز برای مراجع غیررسمی مانند واحدهای نظارتی در شرکت‌ها شناخته‌شده است لیکن آن‌ها به دلایلی از ارسال پرونده این جرایم به حاکم قضایی خودداری می‌کنند (حطمی، ۱۴۰۰، ص ۳۹).

با توجه به اینکه جرایم قاچاق کالا و ارز از حیث «بزه‌دیده‌شناسی»^۱ از «جرایم بدون بزه‌دیده»^۲ می‌باشند؛ بنابراین نرخ پایین گزارش‌دهی به پلیس و محکومیت کیفری، بالا بودن رقم سیاه بزهکاری از خصوصیات ذاتی این نوع از جرایم می‌باشد، خصوصیات بدون بزه‌دیدگی این جرایم در عمل سبب به وجود آمدن نگرش خاص شهروندان به جرایم قاچاق کالا و ارز در مناطق مختلف ایران شده است.^۳ به نحوی که نتیجه آن نگرش کاهش اثر اربعایی جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌ها نسبت به مجرمین این‌گونه از جرایم می‌باشد (ساقیان و موسی‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۸۹).

هرچند بزه‌دیدگان اصلی و نهایی در جرم قاچاق کالا و ارز و خصوصاً کالای قاچاق سلامت‌محور یکایک مردم هستند، اما به بنا به دلایل پیش گفت و موارد مطروحه در پاورقی‌های این صفحات، قاچاق کالا و ارز بیشتر به عنوان جرایم متأثر بر اقتصاد کلان جامعه و فاقد بزه‌دیده مستقیم است، بنابراین صرف نظر از گستردگی رقم سیاه این جرم، عمده موارد کشف‌شده نیز توسط مراجع اداری، نظارتی و انتظامی و به بیان دیگر سازمان‌های کاشف صورت می‌گیرد و شاکی خصوصی (بزه‌دیده) در اعلام این جرم وجود خارجی نداشته و یا بسیار محدود است.

1. Victimology

2. Victimless

۳. نگرش اباحه‌گری به معنی مباح کردن حلال دانستن، جایز شمردن، روا دانستن است. اباحی‌گری در حوزه اجتماعی نمودی بیشتر دارد، به نحوی که شخص در این راستا با مباح شمردن ناپایدهای اجتماعی دست به هر کاری که بپسندد، می‌زند و هنجارهای زندگی جمعی را نادیده می‌انگارد.





رقم سیاه بالا به معنای حجم یا ارزشی از قاچاق کالا و ارز است که به دلیل پنهان‌کاری و مخفی‌کاری قاچاقچیان در آمارها و گزارش‌های رسمی ثبت نمی‌شود و قابل اندازه‌گیری نیست. این مفهوم به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی قاچاق کالا و ارز، نشان‌دهنده میزان واقعی این فعالیت‌ها است که معمولاً بسیار بیشتر از ارقام گزارش شده است. رقم سیاه بالا در قاچاق کالا و ارز ناشی از پیچیدگی و فنی بودن این جرایم، عدم گزارش‌دهی قربانیان، پوشش‌های قانونی و ساختاری، نقش افراد با موقعیت‌های بالا، ضعف سیستم‌های نظارتی و قانونی و استفاده از فناوری‌های نوین است. این عوامل باعث می‌شوند که بسیاری از قاچاق کالا و ارز از دید نهادهای نظارتی و قانونی پنهان بمانند که به‌نوبه خود چالشی بزرگ برای مقابله با این نوع جرایم ایجاد می‌کند.

۳-۱. پویایی

پویایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم در ماهیت قاچاق کالا و ارز به توانایی این فعالیت‌ها برای تغییر، تطبیق و واکنش سریع به شرایط محیطی، قوانین و کنترل‌های دولتی اشاره دارد. قاچاق کالا و ارز به دلیل ماهیت غیرقانونی و مقابله دائمی با نهادهای نظارتی و امنیتی، همواره در حال تحول و تطبیق با شرایط جدید است.

جرایم مرتبط با قاچاق کالا و ارز بسیار پویا است و به‌سرعت خود را با شرایط جدید بازار منطبق می‌کند.^۱ این تحرک و پویایی، ازجمله خصوصیات مهم قاچاق کالا و ارز است که نشان از ظرفیت بالای آن‌ها در انطباق با تحولات سیاسی، اجتماعی-اقتصادی، حقوقی و غیره است. بدین ترتیب، در این حوزه بزهکاران بسیار سریع‌تر از سازمان‌های دولتی متولی کشف، تعقیب و رسیدگی عمل می‌کنند. این پویایی البته محدود به قلمرو داخلی نشده، بلکه مرتکبین آن در سطح بین‌المللی نیز به لطف جهانی‌شدن، حضور فعال دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱، ص ۲۳).

قاچاقچیان معمولاً فعالیت‌های خود را بر اساس تقاضاهای بازار و سودآوری تغییر می‌دهند. این به معنای آن است که نوع کالاهایی که قاچاق می‌شوند می‌تواند به‌سرعت تغییر کند. برای مثال، ممکن است در یک دوره زمانی، قاچاق سوخت بیشتر شود و در دوره دیگری قاچاق کالاهای لوکس یا داروهای نایاب افزایش یابد. این انعطاف‌پذیری باعث می‌شود که قاچاقچیان بتوانند سودآوری خود را در شرایط مختلف حفظ کنند؛ بنابراین پویایی در قاچاق کالا و ارز به معنای تغییرات و تحولات مداوم در روش‌ها، تکنیک‌ها و راهبردهای مورد استفاده توسط

۱. این پویایی و انطباق ناشی از ابزار و وسایل فنی مانند حمل‌ونقل، ارتباطات و... به آنان اجازه می‌دهد تا به فعالیت‌های خود جنبه بین‌المللی بخشند و بیش‌ازپیش سازمان‌یافته شوند. مرتکبین از طریق این پویایی تا بدان جا ادامه پیدا کرده است که می‌توان شاهد ظهور مفهوم جرایم سازمان‌یافته اقتصادی بود.

مجرمان است. این ویژگی نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و سازگاری این جرایم با تغییرات محیطی، قانونی و تکنولوژیک است.

۴-۱. گستردگی دامنه خطر

جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. توسعه فناوری‌های نوین از قبیل فناوری اطلاعات، شرایط و گستره جرایم اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. این جرایم یکی از عوامل مهمی است که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد و مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد. از آنجا که ایجاد بسترهای تأمین نیازهای رفاهی جامعه جزء حداقل انتظارات اجتماعی از کارکرد حاکمیت‌ها می‌باشد طبعاً هنگامی که حکومت‌ها به دلایل گوناگون و به‌ویژه به‌دلیل جرایم اقتصادی و بروز اختلال در نظام تولید توزیع و مصرف از عهده تأمین حداقل‌های مذکور برنمی‌آیند، فاقد امنیت اقتصادی محسوب می‌شوند و به مجموعه‌ای ناکارآمد در نظر مردم و نخبگان تبدیل می‌شوند. لذا موضوع خطرناکی جرایم اقتصادی مدت‌هاست که به دغدغه صاحب‌نظران علمی مقامات دولتی سازمان‌های مردم‌نهاد سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن تبدیل شده است (حطمی، ۱۴۰۰، ص ۳۹-۴۰).

گستردگی دامنه خطر به‌عنوان یکی از خصوصیات جرایم اقتصادی به معنای تأثیر وسیع و گسترده‌ای است که این جرایم می‌توانند بر بخش‌های مختلف جامعه، اقتصاد و نهادهای مالی و قانونی داشته باشند. گستردگی دامنه خطر به معنای این است که اثرات جرایم اقتصادی تنها به یک فرد یا گروه خاص محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند بر جامعه وسیع‌تری تأثیر بگذارد، شامل افراد، شرکت‌ها، نهادهای مالی و حتی کل اقتصاد یک کشور.

گستردگی دامنه خطر به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ماهوی قاچاق کالا و ارز، به معنای وسعت تهدیدات و پیامدهای منفی است که این فعالیت‌های غیرقانونی برای اقتصاد، جامعه و امنیت ملی به همراه دارند. قاچاق کالا و ارز نه تنها یک جرم اقتصادی، بلکه یک پدیده چندبُعدی است که تأثیرات عمیقی بر بخش‌های مختلف جامعه دارد.

در واقع مرتکبان جرایم قاچاق کالا و ارز با سوءاستفاده از اعتماد و حس نیت موجود در روابط تجاری، موجب لطمه به اعتماد و اعتبار و نیز امنیت بخش‌هایی از فعالیت اقتصادی می‌شوند؛ بنابراین، خسارت‌ها نه تنها صرفاً مالی و قابل محاسبه، بلکه برخی از آن‌ها با تأثیر در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، به منابع انسانی به‌عنوان مثال از بین رفتن مشاغل، کیفیت نتایج بررسی و پیمایش جهانی اخیرالذکر نیز به‌نوعی گستردگی ارتکاب و دامنه خطر را نشان می‌دهد به‌طوری که با بررسی ۵۵۰۰ شرکت، وقوع ۲۹۰۰ مورد جرم اقتصادی کشف شد





(موسوی مجاب، ۱۳۹۳، ص ۷۴). به همین دلیل است که امروزه، در کنار گسترش دامنه و نفوذ فعالیت شرکت‌های چندملیتی، مسئولیت آن‌ها نیز در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اخلاقی و حتی حقوق بشری گسترش یافته است (گسن، ۱۳۹۴، ص ۶۸).

گسترده‌گی دامنه خطر در قاچاق کالا و ارز ناشی از تأثیرات وسیع و چندبعدی این جرایم بر ثبات اقتصادی، خسارات مالی گسترده، تأثیرات اجتماعی، پیچیدگی و چندبعدی بودن، تأثیرات بین‌المللی و ضعف سیستم‌های قانونی و نظارتی است. این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که قاچاق کالا و ارز تنها به یک فرد یا گروه خاص محدود نمی‌شوند، بلکه می‌توانند بر کل جامعه و اقتصاد تأثیرات عمیق و گسترده‌ای داشته باشند. مقابله با این جرایم نیازمند همکاری گسترده بین‌المللی، بهبود قوانین و مقررات و تقویت نهادهای نظارتی و قانونی است.

بنابراین گسترده‌گی دامنه خطر در قاچاق کالا و ارز به معنای آن است که این فعالیت‌ها نه تنها بر بخش اقتصادی، بلکه بر ابعاد اجتماعی، امنیتی، زیست‌محیطی و فرهنگی جامعه نیز تأثیرات گسترده و عمیقی دارند. این تهدیدات فراگیر، چالش‌های بزرگی را برای دولت‌ها در زمینه مقابله با قاچاق و تلاش برای حفظ ثبات و امنیت ملی ایجاد می‌کنند.

۵-۱. برخورداری از اطلاعات خاص

بی‌تردید، داشتن تخصص، دانش و مهارت خاص در یک جامعه مدرن، امتیاز محسوب می‌شود، لیکن گاهی از همین دانش در راه ارتکاب اعمال مجرمانه قاچاق کالا و ارز استفاده می‌شود، بنابراین جرایم مرتبط با قاچاق کالا و ارز در بستر زندگی اقتصادی روزمره مردم ارتکاب می‌یابد و همین بستر زندگی بنا به اقتضائات خود، اطلاعات و دانشی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که گاه در ارتکاب جرایم مورد استفاده قرار می‌گیرند و بدین ترتیب است که می‌توان گفت جرایم اقتصادی مستلزم داشتن اطلاعات و دانش اقتصادی، تجاری یا مالی است (ابراهیمی و صادق نژاد نایینی، ۱۳۹۲، ص ۲۸).

برای قاچاقچیان دستیابی به اطلاعات حساس، پنهانی و منحصر به فرد برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی ضروری است. این اطلاعات به آن‌ها کمک می‌کند تا قوانین و مقررات را دور بزنند، مسیرهای مطمئن‌تری برای قاچاق پیدا کنند و از موانع قانونی و نظارتی عبور کنند. قاچاقچیان معمولاً اطلاعات دقیقی از قوانین گمرکی، ارزی و تجاری کشورها دارند. این دانش به آن‌ها کمک می‌کند تا راه‌های دور زدن این قوانین را پیدا کنند یا از شکاف‌ها و ضعف‌های قانونی بهره‌برداری کنند. برای مثال، قاچاقچیان ممکن است از تغییرات ناگهانی در تعرفه‌ها یا محدودیت‌های ارزی مطلع شوند و بر اساس آن فعالیت‌های خود را تنظیم کنند.

در این مورد می‌توان به جرایم ارتكابی در حوزه تجارت الکترونیکی یا جرایم مربوط به بازار بورس و اوراق بهادار اشاره کرد که در آن‌ها مرتکب باید با ریزه‌کاری‌های فنی و تخصصی بورس یا تجارت الکترونیکی آشنا باشد تا بتواند جرم را انجام دهد. لذا مرتکبین این جرایم، اشخاصی هستند که با تسلط کامل بر استلزامات و موازین شغلی و حرفه‌ای و به تبع آن، آگاهی از پیامدها و نتایج زیان‌بار نقض مقررات اقتصادی، نظم و امنیت اقتصادی جامعه را مختل می‌سازند. به هر حال، آنچه مهم است پیشگیری از گذار از اندیشه به فعل در جرایم اقتصادی است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴۷-۱۲۶۶).

در همین راستا ماده ۱۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، کلیه دستگاه‌های عضو ستاد را موظف ساخته است در چارچوب اولویت‌های تعیین شده، برنامه‌های سالانه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز دستگاه متبوعه خود را جهت بررسی و تصویب به ستاد ارائه نمایند. این تدبیر، یعنی الزام دستگاه‌ها به تنظیم برنامه‌های سالانه پیشگیری، در نوع خود جالب است و می‌تواند به تدریج، متولیان پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی، از جمله قاچاق کالا و ارز را که در بند (خ) تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از مصادیق جرایم اقتصادی معرفی شده است، به سمت تحقیقات جرم‌شناختی و مطالعات آماری و تنظیم علمی برنامه هدایت کند.

قاچاقچیان معمولاً اطلاعات دقیقی درباره روش‌های نظارتی و امنیتی نیروهای دولتی دارند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که چگونه سیستم‌های بازرسی و کنترل گمرکات، نظارت‌های مرزی و مأموران امنیتی کار می‌کنند و با داشتن این اطلاعات، می‌توانند روش‌های پنهان‌سازی و جابه‌جایی کالاهای خود را بهینه کنند. این شامل دانستن نقاط کور نظارتی، ساعات تغییر شیفت مأموران و استفاده از راه‌های فرعی و کمتر شناخته شده می‌شود. برخورداری از اطلاعات خاص به قاچاقچیان این امکان را می‌دهد که ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌های خود را به دقت مدیریت کنند. با اطلاع از قوانین و مقررات، تغییرات سیاسی و اقتصادی و حتی نوسانات بازار، قاچاقچیان می‌توانند تصمیم بگیرند که در چه زمانی و در کجا عملیات قاچاق خود را انجام دهند تا کمترین ریسک ممکن را متحمل شوند.

بنابراین برخورداری از اطلاعات خاص یکی از ویژگی‌های حیاتی قاچاق کالا و ارز است که به قاچاقچیان امکان می‌دهد با موفقیت فعالیت‌های غیرقانونی خود را انجام دهند. این اطلاعات شامل شناخت دقیق از قوانین و مقررات، دسترسی به شبکه‌های پنهانی، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و اطلاع از تغییرات بازار و روش‌های نظارتی است. این ویژگی باعث می‌شود که قاچاقچیان همواره یک قدم جلوتر از نهادهای قانونی باشند و بتوانند ریسک‌های فعالیت‌های خود را به حداقل برسانند.





۲. مبانی جرم‌انگاری جرایم قاچاق کالا و ارز

با اینکه استفاده از حقوق جزا برای تنظیم و کنترل فعالیت‌های اقتصادی فراگیر و گسترده است، در مورد میزان تأثیر آن اختلاف نظر وجود دارد.^۱ فعالیت‌ها و رفتارهای اقتصادی اصولاً باید به شیوه‌های غیرکیفری کنترل و هدایت شود و برای تضمین رفتارهای اقتصادی شایسته باید از ضمانت اجراهای مدنی، اداری و انتظامی استفاده شود. استفاده وسیع از ضمانت اجراهای کیفری و جرم‌انگاری گسترده به‌منظور هدایت و ارشاد فعالیت‌های اقتصادی مؤثر نیست؛ زیرا عمده این جرایم به‌وسیله یقه‌سفیدان مرتکب می‌شود که پیگرد و مجازات آنان پرهزینه و در بسیاری از موارد ناکارآمد است. ضمانت اجرای کیفری برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی حذف شدنی نیست، اما باید به‌عنوان آخرین حربه مورد استفاده قرار گیرد و تنها زمانی به آن متوسل شد که سایر ضمانت اجراها ناکارآمد و بی‌تأثیر باشند.

۲-۱. تضمین حق بر امنیت

امنیت از حق‌های بنیادی بشری است که در پرتو آن همه شهروندان حق دارند در جامعه و شرایط آرام و بدون تهدید و خطر زندگی و فعالیت کنند. حق بر امنیت (امنیت جسمانی-مالی) امروزه یکی از حق‌های بنیادین مردم محسوب می‌شود که اگر چه در منشور بین‌المللی حقوق بشر یا در قوانین اساسی کشورها ماده یا اصلی صراحتاً به آن اختصاص نشده است، ولی تضمین آن از تکالیف بدیهی دولت‌ها به حساب می‌آید؛ زیرا در سایه تأمین امنیت روزانه است که شهروندان می‌توانند از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی خود برخوردار شوند و آن‌ها را در فضای امن اعمال کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

قلمرو حق بر امنیت و بهره‌وران از آن گسترده است و شامل همه عرصه‌های زندگی انسان‌ها و شهروندان می‌شود؛ بنابراین، در پهنه فعالیت‌های صنفی که شماری از شهروندان به کنشگری اقتصادی مبادرت می‌ورزند هم باید بسترهای دسترسی به این حق فراهم آید تا به این واسطه فعالیت‌های اقتصادی و دادوستدهای مربوط به دارایی‌ها همراه با امنیت صورت پذیرد.

بدیهی است که تأمین امنیت سرمایه‌گذاران و فعالان بازار اقتصادی من جمله فعالیت‌های اقتصادی صنفی از جمله مصادیق حمایت گفته شده است که می‌تواند به شکل‌های مختلف مثل جرم‌انگاری تبلور یابد؛ بنابراین، جرم‌انگاری و در واقع شناسایی دسته‌ای از رفتارها در عرصه فعالیت‌های صنفی به‌عنوان جرم و احتمالاً کیفرپذیر از سازوکارهای حمایت از

۱. در خصوص اساس مداخله حقوق کیفری در عرصه اقتصاد و از جمله بازار سرمایه نظرات متعددی وجود دارد، برای بررسی جزئیات بیشتر، می‌توانید به پژوهش نجفی ابرندآبادی (۱۳۹۳) مراجعه کنید.

شهروندان در پهنه بازار مذکور است؛ زیرا مجازات‌پذیر بودن رفتارهای مجرمانه تهدیدی نسبت به شهروندان دارای خواست بزهکارانه و در نتیجه منصرف شدن تعدادی از آنان از ارتکاب جرم است. آشکار است که با این انصراف مجرمانه از احتمال به وقوع پیوستن بزهکاری که برهم‌زننده امنیت فعالیت‌های صنفی است تا اندازه‌ای کاسته می‌شود. به این ترتیب، استفاده از سازوکارهای کیفری به‌ویژه جرم‌انگاری در این زمینه در حق شهروندان بر امنیت فعالیت‌های صنفی ریشه دارد (نیازپور، ۱۳۹۷، ص ۴۴۷).

جرایم قاچاق کالا و ارز، به دلیل آثار ساختاری و گسترده‌ای که بر نظام اقتصادی و اجتماعی بر جای می‌گذارند، واجد ماهیتی فراتر از تخلفات صرف اداری یا مالی هستند. این جرایم با تضعیف تولید ملی، اختلال در نظام توزیع کالا، برهم‌زدن تعادل بازار ارز و کاهش درآمدهای عمومی دولت، امنیت اقتصادی جامعه را به‌طور مستقیم تهدید می‌کنند (Passas, 2000, pp. 365-385).

بر اساس تحلیل‌های جرم‌شناسی فراملی، قاچاق کالا و ارز می‌تواند به تسهیل پول‌شویی، تأمین مالی فعالیت‌های مجرمانه و تضعیف حاکمیت قانون بینجامد؛ امری که آن را به تهدیدی بالقوه علیه امنیت ملی تبدیل می‌کند (UNODC, 2010). از این‌رو، جرم‌انگاری و تشدید واکنش کیفری نسبت به این رفتارها، در راستای تضمین حق بر امنیت عمومی و اقتصادی جامعه قابل توجیه است.

برآیند تحلیل‌های حقوقی و جرم‌شناختی نشان می‌دهد که تضمین حق بر امنیت، یکی از مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری جرایم قاچاق کالا و ارز محسوب می‌شود. این جرایم، با ایجاد اختلال در نظم اقتصادی و اجتماعی، تهدیدی جدی علیه امنیت عمومی به‌شمار می‌آیند و واکنش کیفری دولت نسبت به آن‌ها، جلوه‌ای از ایفای وظیفه حاکمیت در صیانت از حقوق بنیادین شهروندان است؛ بنابراین، سیاست تقنینی در این حوزه باید با درک ماهیت امنیت‌محور این جرایم و با رعایت اصل تناسب، به‌گونه‌ای تنظیم شود که هم کارآمدی مقابله با قاچاق تضمین گردد و هم از افراط در مداخله کیفری جلوگیری شود.

۲-۲. حمایت از ارزش‌های بنیادی

ارزش‌های بنیادی هر جامعه، مجموعه‌ای از هنجارها و اصول اساسی‌اند که بقای نظم اجتماعی، مشروعیت حاکمیت و اعتماد عمومی بر آن‌ها استوار است. این ارزش‌ها شامل عدالت اقتصادی، حاکمیت قانون، سلامت نظام مالی، رقابت سالم، حمایت از تولید ملی و اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و حکمرانی می‌شود. در نظریه‌های حقوق کیفری، جرم‌انگاری





زمانی مشروع تلقی می‌گردد که رفتار مورد نظر، این ارزش‌های بنیادین را به‌طور جدی تهدید کند (Ashworth, 2015).

اساساً حقوق کیفری و جرم‌انگاری به‌عنوان شاخص‌ترین سازوکار آن برای حمایت از ارزش‌های بنیادی جامعه به‌کار گرفته می‌شوند. به هر رو، مجازات و ابزارهای نظام کیفری همواره شدیدترین، قهرآمیزترین تدابیر هستند که آخرین و البته جدی‌ترین راه چاره به‌منظور پاسداری از ارزش‌های اساسی به‌شمار می‌روند. در پهنه اقتصاد و از جمله فعالیت‌های صنفی ارزش‌ها و هنجارهای متعددی وجود دارند که طبیعتاً رعایت آن‌ها در ایجاد نظم و امنیت اقتصادی نقش‌آفرین هستند.

سیاست‌گذاران جنایی قاعداً به‌منظور تضمین اجرای هر یک از آن‌ها از اهرم‌های متعددی البته به‌صورت پلکانی بهره می‌گیرند. آنگاه که ارزش‌ها برتر و بنیادی باشند، مهم‌ترین و چه‌بسا تأثیرگذارترین ابزار، مجازات و سازوکارهای کیفری هستند که می‌توانند در حمایت و تضمین اجرای آن ارزش‌ها مؤثر باشند. در هر صورت، شفاف بودن، رقابت منصفانه، وضعیت برابر از ارزش‌های اساسی بازار مذکور هستند که در چارچوب قانون یاد شده مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

این حمایت بیشتر دارای کارکرد بازدارندگی بوده و از رهگذر ایجاد ترس اسباب کاهش گرایش یافتن به سمت بزهکاری را فراهم می‌آورد. به هر روی، جرم‌انگاری و سپس به‌کارگیری واکنش‌ها خصوصاً مجازات در پی ارتکاب بزهکاری زمینه‌ای برای تحمیل رنج کیفری بر مرتکبان آن ایجاد می‌کند که طبیعتاً این پیامد هراس‌ساز و بر همین اساس انصراف‌آور می‌باشد؛ بنابراین، سیاست‌گذاران جنایی از رهگذر جرم‌انگاری به حمایت از شماری از ارزش‌های فعالیت‌های صنفی توجه کرده‌اند. بدیهی است که این حمایت نسبت به انگیزه‌مندان ارتکاب جرم علیه فعالیت‌های اقتصادی صنفی ترس‌آور است و در کاهش تعداد رفتارهای ناقص هنجارها در پهنه فعالیت‌های صنفی نقش‌آفرین باشد.

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های بنیادی که در جرایم قاچاق کالا و ارز مورد تعرض قرار می‌گیرد، اعتماد عمومی به نظام حکمرانی اقتصادی است. گسترش قاچاق، این تصور را در جامعه تقویت می‌کند که قواعد قانونی قابل دور زدن هستند و رعایت قانون هزینه‌زا و غیرمنصفانه است؛ امری که به تضعیف سرمایه اجتماعی و مشروعیت حاکمیت قانون می‌انجامد (Garland, 2001). در پهنه اقتصاد وارد و خارج کردن کالا از جمله تأثیرگذارترین اقدام‌ها به‌شمار می‌رود. به همین جهت است که سیاست‌گذاران اقتصادی برای این کنش‌ها ضوابط بایده و نبایده پیش‌بینی کرده‌اند تا از رهگذر پیروی از این موازین نظم اقتصادی در این پهنه دچار چالش نشود (نیازپور، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲).



با وجود این، گاه‌شماری از شهروندان این ضوابط را نادیده گیرند و به مناسبت به ارتکاب رفتارهای ناقض هنجارهای وارد و یا خارج کردن کالا مبادرت می‌ورزند. بر همین اساس قانون‌گذار جرم و تخلف‌انگاری و نیز پاسخ‌گذاری در این عرصه را سازوکاری مناسب برای حمایت از ارزش‌های اقتصادی در این زمینه به‌شمار آورده است. این رویکرد در نهایت در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصلاح شده در ۱۳۹۲ تبلور یافته است و مطابق بند الف ماده «۱» قاچاق کالا و ارز به‌عنوان «...هر فعل یا ترک فعلی ... که موجب نقض تشریفات قانونی^۱ مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد. شناسایی شده است؛» بنابراین مطابق این تعریف هر کالایی که از مسیرهای غیرمجاز وارد یا خارج شود یا مبادی مجاز باشد لیکن تشریفات قانونی مقرر رعایت نشود مشمول تعریف قاچاق خواهد شد.

به عبارتی ارزش‌هایی که پدیده قاچاق کالا آن‌ها را مورد لطمه قرار می‌دهد متعدد است. این ارزش‌ها عبارتند از حقوق اقتصادی مصرف‌کنندگان و فعالان حرفه‌ای، امنیت اقتصادی، سلامت همگانی، حق بر امنیت شغلی سرمایه‌گذاری و تجارت قانونی و حق بر تأمین سلامت مواد غذایی و بهداشتی. توجه ویژه قانون‌گذار به همین ارزش‌ها بود که قاچاق کالا و ارز را از مصادیق «جرائم اقتصادی» محسوب نموده است (اجتهادی، ۱۳۹۶، ص ۴۲).

جرائم قاچاق کالا و ارز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ارزش‌های بنیادین اقتصادی را نقض می‌کنند. این جرائم با تضعیف نظام رسمی تجارت، بی‌اثر ساختن سیاست‌های مالی و پولی، ایجاد رقابت ناعادلانه و تخریب اعتماد عمومی به سازوکارهای قانونی، بنیان‌های عدالت اقتصادی و حاکمیت قانون را متزلزل می‌سازند (Passas, 2000, pp. 365–385).

قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق جرائم اقتصادی علاوه بر توسعه فقر و بیکاری و در نتیجه عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی موجب ارتکاب حجم بسیاری از جرائم خرد می‌شود. دولت‌ها در این شرایط با سیل عظیمی از لشگر فقرا مواجه می‌شوند و ممکن است به دلیل اخذ تصمیم‌های غلط در سیاست‌گذاری‌های عمومی یا اجرای ضعیف آن‌ها و عدم نظارت بر تصمیم‌های مدیران میانی در نهایت یا با قیام و شورش مواجه شوند و یا با سرکوب لشگر بپا خاسته، اعتبار سیاسی خود را از دست بدهند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۸۰۳–۸۰۴).

با وجود این گاه‌شماری از شهروندان این ضوابط را نادیده گیرند و به مناسبت به ارتکاب رفتارهای ناقض هنجارهای وارد و یا خارج کردن کالا مبادرت می‌ورزند بر همین اساس

۱. گفتنی است که بر اساس بند ۱ ماده ۱ قانون مذکور تشریفات قانونی یعنی، اقدامات از قبیل تشریفات گمرکی و بانکی اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذی‌ربط است که اشخاص موظف‌اند طبق قوانین و مقررات به‌منظور وارد یا خارج کردن کالا یا ارز انجام دهند.



قانون‌گذار جرم و تخلف‌انگاری و نیز پاسخ‌گذاری در این عرصه را سازوکاری مناسب برای حمایت از ارزش‌های اقتصادی در این زمینه به‌شمار آورده است (نیازپور، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲).

از این‌رو کشور ما ایران نیز مانند بسیاری از کشورها درگیر مسئله قاچاق بوده، آمارهای رسمی و غیررسمی که هر از چندگاهی منتشر می‌شود حکایت تلخی از این پدیده شوم دارد. کاهش تولید ملی، تعطیلی صنایع کوچک و بزرگ، رکود و بیکاری فزاینده، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری از ثمرات نامیمون قاچاق در کشور می‌باشد. از دیگر سو ورود انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی به کشور نیز که خود مولد انواع ناهنجاری‌ها بوده، جامعه را به‌شدت از جهات مختلف تهدید می‌نماید، همچنین لازم به ذکر است که قاچاق کالا محصول و معلول اقتصاد نابه‌سامان و غیرقابل اتکا. در دنیای امروز کشورها تلاش می‌نمایند تا با استفاده از راهکارهای نوین اقدام به پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا نمایند، زیرا راهکارهای سنتی اگرچه دارای کاربردهای خوبی بوده‌اند، اما نتوانستند جلوی قاچاق کالا را بگیرند، بنابراین پیش از هر چیزی جهت پیشگیری از قاچاق و یا مبارزه با آن با شیوه‌های نوین، می‌بایست تقویت اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. راهکارهای مختلفی در زمینه مبارزه با قاچاق کالا می‌توان پیشنهاد نمود که این راهکارها گاه با نگرش پیش‌بینی وضعی و گاه با نگرش پیش‌بینی تقنینی و کیفری و نهایتاً گاه با دیدگاه‌های اجتماعی قابل مطالعه هستند.

از دیدگاه جرم‌شناسی انتقادی، قاچاق کالا و ارز اغلب در بستر نابرابری‌های ساختاری و فرصت‌های اقتصادی نامتوازن شکل می‌گیرد، اما تداوم و گسترش آن، خود به بازتولید بی‌عدالتی اقتصادی و فرسایش ارزش‌های بنیادین منجر می‌شود (کرامتی معز، ۱۴۰۳، ص ۷۵). در این چارچوب، جرم‌انگاری قاچاق نه صرفاً واکنشی به یک رفتار زیان‌بار، بلکه تلاشی برای حفاظت از نظم هنجاری اقتصاد رسمی است.

تحلیل جرم‌شناختی نشان می‌دهد که حمایت از ارزش‌های بنیادی، یکی از مبانی اساسی و مستقل جرم‌انگاری جرایم قاچاق کالا و ارز است. این جرایم با نقض عدالت اقتصادی، تضعیف حاکمیت قانون، تخریب اعتماد عمومی و اختلال در نظم هنجاری اقتصاد رسمی، ارزش‌هایی را هدف قرار می‌دهند که بقای نظم اجتماعی بر آن‌ها استوار است؛ بنابراین، جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز، نه تنها پاسخی به زیان‌های مادی، بلکه واکنشی هنجاری برای صیانت از بنیان‌های ارزشی جامعه محسوب می‌شود.

۲-۳. شناساندن بایدها و نبایدها

یکی از کارکردهای بنیادین حقوق کیفری، «شناساندن بایدها و نبایدها» و ترسیم مرزهای هنجاری رفتارهای مجاز و ممنوع در جامعه است. جرم‌انگاری، افزون بر جنبه واکنشی و

تنبیهی، واجد کارکردی نمادین و آموزشی است که از طریق آن، قانون‌گذار ارزش‌ها و انتظارات اساسی جامعه را به شهروندان اعلام می‌کند (Duff, 2007, p. 38). در این معنا، حقوق کیفری نه فقط ابزار کنترل اجتماعی، بلکه سازوکاری برای هنجارسازی و هدایت رفتارهای اقتصادی و اجتماعی است.

حقوق کیفری در بعد ماهوی خود از کارکردهای متعددی برخوردار است که شناساندن بایدها و نبایدها از برجسته‌ترین آن‌ها است. از این رهگذر به وصف کردن هنجارها و بایدها و نبایدها مبادرت ورزیده می‌شود تا به این واسطه چارچوب‌های چگونگی فعالیت و رفتار کردن در سطح جامعه تبیین گردد؛ بنابراین، حقوق کیفری در جایگاه «آموزگار کیفری» در راستای شناساندن موازین کیفری گام برمی‌دارد تا سطح آزادی داشتن و نداشتن شهروندان را نمایان سازد. در این میان، فعالیت‌های صنفی هم از عرصه‌های مهم اقتصاد است که حقوق کیفری با وارد شدن به آن پهنه و تدوین و ترسیم موازین، هنجارهای کیفری شناساندن آن‌ها به کنشگران این بازار را مورد توجه قرار داده است (نیازپور، ۱۳۹۸، ص ۱۵۱).

بنابراین، جرم‌انگاری صورت گرفته در پرتو قانون مذکور در یک‌پایه اساسی یعنی، توصیف هنجارها برای فعالان عرصه فعالیت‌های صنفی ریشه دارد تا آنان از این رهگذر هم با ضوابط ناظر به فعالیت در بازار مذکور آشنا شوند و هم چارچوب‌های رفتاری، اقدام در این پهنه را فراگیرند. به این ترتیب، شناسایی شماری از رفتارها در عرصه فعالیت‌های صنفی به‌عنوان جرم در هدف تبیین توصیف هنجارها و خوب، بدی‌های کیفری بنیان‌دار است.

برآیند تحلیل‌های جرم‌شناختی و حقوق کیفری نشان می‌دهد که «شناساندن بایدها و نبایدها» یکی از مبانی مهم و مستقل جرم‌انگاری جرایم قاچاق کالا و ارز است. جرم‌انگاری این رفتارها، با ترسیم مرزهای روشن میان رفتار مشروع و نامشروع، مانع عادی‌سازی اقتصاد زیرزمینی شده و از طریق کارکرد آموزشی، پیشگیرانه و نمادین، به تثبیت نظم هنجاری اقتصاد رسمی کمک می‌کند. بدین ترتیب، واکنش کیفری نسبت به قاچاق کالا و ارز، نه تنها پاسخ به زیان‌های اقتصادی، بلکه ابزاری برای هدایت رفتارها و تقویت فرهنگ قانون‌مداری در جامعه محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

امروزه هرچند نقش ارزنده ارزهای دیجیتال و نیز هوش مصنوعی و سایر فناوری‌های پیشرفته که هر لحظه نیز دامنه آن‌ها در جوامع بشری گسترده‌تر می‌شود، بر کسی پوشیده نیست، اما این ابزارهای فناورانه به‌عنوان یک نگرانی بزرگ از جهت در اختیار گرفتن آن‌ها توسط طیف گسترده‌ای از مجرمان حرفه‌ای، سازمان‌یافته و... نیز محسوب می‌گردند و این نگرانی با درصد





اهمیتی بیشتر در حوزه جرایم قاچاق کالا و ارز نیز وجود دارد و به لحاظ پیش‌بینی امر پیشگیری از جرم قاچاق کالا و ارز در یک فصل مستقل از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات الحاقات بعدی، لازم است دستگاه‌های امنیتی، سیاست‌گذار و نظارتی نقش مفید و مؤثر خود را در مواجهه با ابزارهای پیشرفته موصوف و در جهت پیشگیری و نیز مبارزه با این جرایم ایفا نمایند.

بررسی ماهیت جرم‌شناختی جرایم قاچاق کالا و ارز نشان داد که این دسته از جرایم واجد ویژگی‌هایی است که آن‌ها را از تخلفات صرف اقتصادی یا نقض ساده مقررات اداری متمایز می‌سازد و مستلزم تحلیل مستقل در چارچوب جرم‌شناسی و سیاست جنایی است. سرزنش‌پذیری رفتار مرتکبان قاچاق، علی‌رغم رؤیت‌پذیری اندک این جرایم، بیانگر آن است که پنهان‌کاری و عدم مواجهه مستقیم با بزه‌دیده مشخص، از شدت تقبیح اجتماعی و قابلیت انتساب مسئولیت کیفری نمی‌کاهد. در واقع، کاهش رؤیت‌پذیری نه تنها از زیان‌بار بودن این جرایم نمی‌کاهد، بلکه خود به عاملی برای پیچیدگی کشف و تعقیب و افزایش ضرورت مداخله کیفری تبدیل می‌شود.

همچنین بالا بودن «رقم سیاه» قاچاق کالا و ارز، حاکی از شکاف جدی میان واقعیت بزه‌کاری و آمارهای رسمی است. این ویژگی، ضمن تضعیف کارآمدی سیاست‌های صرفاً واکنشی، ضرورت تحلیل جرم‌شناختی عمیق‌تر و طراحی مبانی مستحکم‌تر برای جرم‌انگاری را آشکار می‌سازد. پویایی این جرایم و سازگاری مستمر آن‌ها با تحولات اقتصادی، فناورانه و نظارتی نیز نشان می‌دهد که قاچاق کالا و ارز پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه رفتاری سیال و انعطاف‌پذیر است که می‌تواند اشکال و شیوه‌های ارتکاب خود را متناسب با شرایط جدید بازتولید کند.

از سوی دیگر، گستردگی دامنه خطر ناشی از قاچاق کالا و ارز، این جرایم را از سطح آسیب‌های محدود مالی فراتر برده و آن‌ها را به تهدیدی علیه امنیت اقتصادی، سلامت عمومی، نظم بازار و حتی اعتماد اجتماعی تبدیل می‌کند. برخورداری مرتکبان از اطلاعات خاص، شبکه‌های ارتباطی و دانش تخصصی نیز بر جنبه نخبه‌گرایانه و سازمان‌یافته این بزه‌کاری می‌افزاید و تحلیل آن را به حوزه جرایم اقتصادی پیچیده نزدیک می‌سازد. مجموع این ویژگی‌ها مؤید آن است که قاچاق کالا و ارز واجد ماهیتی جرم‌شناختی خاص است که توجیه‌کننده واکنش کیفری شدیدتر و جرم‌انگاری مستقل آن می‌باشد.

در پرتو این ماهیت جرم‌شناختی، بررسی مبانی جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز نشان داد که «تضمین حق بر امنیت» یکی از اساسی‌ترین توجیهات مداخله کیفری در این حوزه است. قاچاق، به‌ویژه در ابعاد گسترده و سازمان‌یافته، امنیت اقتصادی، امنیت بازار و در برخی موارد

امنیت اجتماعی و بهداشتی شهروندان را به مخاطره می‌اندازد و از این حیث، جرم‌انگاری آن نه تنها مشروع، بلکه ضروری جلوه می‌کند. افزون بر این، حمایت از ارزش‌های بنیادی نظیر عدالت اقتصادی، سلامت نظام توزیع، رقابت سالم و حاکمیت قانون، مبنای دیگری برای جرم‌انگاری این رفتارها فراهم می‌آورد؛ ارزش‌هایی که نقض آن‌ها آثار بلندمدت و ساختاری بر نظم اجتماعی و اقتصادی برجای می‌گذارد.

در نهایت، جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز کارکرد هنجارسازانه مهمی در «شناساندن بایدها و نبایدها» ایفا می‌کند. تعیین مرزهای روشن میان رفتار مجاز و نامجاز، به‌ویژه در حوزه‌های پیچیده اقتصادی، نقش بسزایی در پیشگیری عمومی و تقویت آگاهی حقوقی کنشگران اقتصادی دارد. از این منظر، جرم‌انگاری صرفاً ابزار سرکوب نیست، بلکه سازوکاری برای هدایت رفتارها و تثبیت انتظارات هنجاری در جامعه محسوب می‌شود.

برآیند تحلیل‌ها نشان می‌دهد که پیوند میان ماهیت جرم‌شناختی جرایم قاچاق کالا و ارز و مبانی جرم‌انگاری آن‌ها، پیوندی منطقی و ناگسستنی است. هرگونه سیاست جنایی مؤثر در این حوزه، مستلزم توجه هم‌زمان به ویژگی‌های خاص این جرایم و مبانی نظری مداخله کیفری است؛ امری که می‌تواند از یک‌سو به تقویت مشروعیت جرم‌انگاری و از سوی دیگر به ارتقای کارآمدی پاسخ کیفری در قبال قاچاق کالا و ارز بینجامد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام، و صادق‌نژاد نایینی، مجید. (۱۳۹۲). تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۵)، ۱۷۴-۱۴۷.
- https://jclr.atu.ac.ir/article_577.html
- اجتهادی، سید عبدالمجید. (۱۳۹۶). بزه‌انگاری در حوزه قاچاق و ارز: مبانی و جلوه‌ها (رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی).
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۹۷). امکان‌سنجی حکم افساد فی الارض بر قاچاق کالا و ارز از منظر فقهی. در علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (ویراستار)، دایرةالمعارف علوم جنایی (جلد ۳). بنیاد حقوقی میزان.
- حطمی، ایمان. (۱۴۰۰). جرایم اقتصادی در ایران (چاپ اول). انتشارات جنگل.
- ساقیان، محمد مهدی، و موسی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۷). سیاست‌های کیفرشناختی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز. در امیرحسین نیازپور (ویراستار)، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (چاپ اول). بنیاد حقوقی میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۱). کلیات جرم‌شناسی: محتوا و تحول؛ از دیروز تا امروز (چاپ اول). نشر نگاه معاصر.





- گسن، رمون. (۱۳۸۸). تحولات سیاسی دموکراسی‌های غربی: مطالعات سیاسی جنایی فرانسه. ترجمه شهرام ابراهیمی. در علی حسین نجفی ابرندآبادی (زیرنظر)، *تازه‌های علوم جنایی* (کتاب اول، چاپ اول). بنیاد حقوقی میزان.
- فرجیها، محمد، و مقدسی، محمدباقر. (۱۳۹۵). *پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی*. دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه علوم جنایی)، کتاب دوم (چاپ دوم). بنیاد حقوقی میزان.
- کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۳). *جرم‌شناسی* (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی) (چاپ دوم). شرکت سهامی انتشار.
- گسن، ریمون. (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی* (نظریه عمومی تزویر). تحقیق و ترجمه شهرام ابراهیمی (چاپ سوم). بنیاد حقوقی میزان.
- موسوی مجاب، سیددردید. (۱۳۸۳). *بزهکاران یقه‌سفید. مدرس علوم انسانی*، ۸(۳)، ۶۱-۸۴.
<https://sid.ir/paper/365338/fa>
- مهدوی‌پور، اعظم. (۱۳۹۵). *تعقیب و تحقیق جرایم اقتصادی، روش‌ها و ویژگی‌ها*. دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه علوم جنایی)، کتاب دوم (چاپ دوم). بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۴۰۱). *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم*. در *دانشنامه جرم‌شناسی* (چاپ ششم). انتشارات گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و هاشم‌بیگی، حمید. (۱۳۹۷). *دانشنامه جرم‌شناسی* (چاپ پنجم). انتشارات گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). *تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی*. در *تقریرات مباحثی در علوم جنایی* (ویراست هفتم).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). *درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)*. در *سودابه رضوانی، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم* (چاپ اول). انتشارات میزان.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری اقتصادی* (چاپ اول). بنیاد حقوقی میزان.
- Ashworth, A. (2015). *Principles of criminal law* (7th ed.). Oxford University Press.
- Duff, R. A. (2007). *Answering for crime: Responsibility and liability in the criminal law*. Hart Publishing.
- Garland, D. (2001). *The culture of control: Crime and social order in contemporary society*. University of Chicago Press.
- Passas, N. (2000). Global anomie, dysnomie, and economic crime. *European Journal of Law Reform*, 2(4), 365-385.
- United Nations Office on Drugs and Crime. (2010). *The globalization of crime: A transnational organized crime threat assessment*. UNODC.